

خبر

رکورد جدیدی که «جوکر» شکست

بخش فرهنگی - خانه‌نشین شدن مردم در سال ۲۰۲۰ رشد صنعت سرگرمی خانگی بریتانیا را موجب شد و در این میان «جوکر» بیش از دیگر فیلم‌های سینمایی توانست توجه مردم را به خود جلب کند.

در حالی که به دلیل شیوع کرونا مخاطبان زیادی در خانه به تماشای فیلم پرداختند، انجمن سرگرمی صحنه نمایش بریتانیا اعلام کرد «جوکر» پربیننده‌ترین عنوان سینمایی ۲۰۲۰ در خانه‌ها بوده است.

«جوکر» بیش از ۱.۴ میلیون کپی به صورت دیسک، آنلاین و TVOD فروخت و این جایگاه را به خود اختصاص داد. رمینای همین آمار روشن شده در سال ۲۰۲۰ سرگرمی در خانه در بریتانیا ۲۶ درصد رشد کرد و مجموع فروش این بازار را به ۳.۳ میلیارد پوند (۴.۴۷ میلیارد دلار) رساند.

فروش آنلاین فیلم و تلویزیون با رشدی ۱۴.۵ درصدی نسبت به سال قبل‌تر خود همراه شد و TVOD نیز رشدی ۲۴ درصدی را تجربه کرد. شمار خریداران و کرایه‌کنندگان فیلم‌های ویدیویی نیز ۱۴ درصد رشد کرد و در فاصله مارس تا نوامبر به ۱۲.۹ میلیون نفر رسید.

سرویس استریم در بریتانیا در سال ۲۰۲۰ با رشدی ۴۲ درصدی رویه‌رو شد و اکنون ۷۴ درصد از کل ارزش بازار تماشای خانگی را به خود اختصاص داده است. دیزنی پلاس از جمله سرویس‌هایی بود که سال ۲۰۲۰ وارد این مجموعه شد و به نتفلیکس و آمازون پرایم در دوران قرنطینه اول بریتانیا پیوست. با گسترش اجاره دیجیتال فیلم‌ها و سریال‌ها، بیش از ۳۰.۸ میلیون مورد اجاره فیلم تنها در ماه اکتبر ۲۰۲۰ صورت گرفت. محبوب‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی سال ۲۰۲۰ شامل فصل هشتم «بازی تاج و تخت»، «چرنوبیل»، «دکتر هو» و «دانتون ابی» بود.

در میان فیلم‌های سینمایی نیز پس از «جوکر» به ترتیب «بِخ زده ۲»، «جومانجی: سطح بعدی»، «۱۹۱۷» و «جنگ ستارگان: حیرش اسکای واکر» پرمخاطب‌ترین فیلم‌های سینمایی در اشکال مختلف دیجیتال، بلوری، دی‌وی‌دی و وی‌او دی بودند.

●●●●●

روایت کارگردان «گیج‌گاه» از انتخاب جمشید هاشم‌پور و حامد بهداد

بخش فرهنگی – عادل تبریزی کارگردان فیلم «گیج‌گاه» درباره جشنواره فیلم فجر و ریسک حضور این فیلم در آن توضیحاتی داد. عادل تبریزی کارگردان «گیج‌گاه» که با این اثر متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر است درباره جشنواره امسال گفت: به طور قطع امسال با شکل و شمایل متفاوتی برگزار خواهد شد. هنوز برای این جای سوال دارد که اکران مردمی دارد یا خیر و اگر داشته باشد به چه سمتی می رود که باعث آسیب رساندن به شخصی نشود. وی افزود: این موضوع به شدت مهم است که اگر قرار باشد با حضور مردم و خبرنگاران و اهالی سینما برگزار شود باید به نحوی پیش برود که هم به لحاظ کیفی در سطح خوبی باشد و از سویی مخاطبان به لحاظ بهداشتی آسیب نبینند.

تبریزی بیان کرد: نسبت به برگزار شدن جشنواره حس خوبی دارم چون در شرایطی که حس می کنیم مردم در حال فراموش کردن سینما و تئاتر هستند می تواند تلنگری در جهت نشان دادن زنده بودن این دو هنر مهم و تأثیرگذار باشد.

وی در خصوص پذیرفتن ریسک و ارسال فیلمش به جشنواره فیلم فجر آن هم در شرایط کنونی، بیان کرد: خوشبختانه فیلمبرداری ما قبل از کرونا و در آرامش کامل انجام شد و یک سال از این موضوع می گذرد بنابراین پس از نگه داشتن یک ساله فیلم، بسته شدن سینما و عدم اکران، شرایط کرونایی و … باید جای معتبر درستی مانند جشنواره فیلم فجر نمایش داده می شد تا بتواند مخاطب خودش را پیدا کند.به شخصه هم از اینکه فیلمم دیده شده است خوشحالم. این کارگردان درباره فیلم «گیج‌گاه» اظهار کرد: در ابتدا هدفم این بود که اعضای خانواده، حتی یک بچه و همه اقشار جامعه بتوانند ببینند و این ادای دینی است به سینمای دهه هفتاد که خانواده ها با هم به سینما می رفتند، فیلم من را دیدند و حال و هوای به خصوصی داشتند.

او ادامه داد: این فیلم بدون هیچگونه جناح بندی سیاسی، اجتماعی و … ساخته شده است و با اینکه در دهه هفتاد می گذرد از درجه ۲۵ سال پیش با هدف تلنگر به جامعه امروز و همه اتفاقاتش، نگاه می کند. این کارگردان سینما گفت: اینکه مرتب می گویم «گیج‌گاه» نوستالژیک نیست و حالی است که دیگر نیست یعنی «حالی ست که دیگر نیست» را نسبت به ۲۵ سال پیش نگاه می کنم. وی با اشاره به تجربه همکاری با بازیگران مطرح فیلمش، تصریح کرد: وقتی ایده اولیه به ذهنم رسید و هنوز فیلمنامه نشده بود برای اولین فردی که مطرح کردم حامد بهداد بود و به شدت دوست داشت و پس از نگارش فیلمنامه به صورت مشترک با ارسلان امیری دوباره به بهداد ارائه کردیم و از علاقه اش کم نشده بود البته برای من مهم بود حتما بازی کند از سویی باید جمشید هاشم پور در این فیلم بازی می کرد چون اگر بازی نمی کرد فیلم را نمی ساختم و فیلمنامه را بایگانی می کردم چرا که درونه گزینی وجود نداشت. همچنین تجربه های دستپرازی در سینما و آموزه های فراوانی که از مسعود کیمیایی در هدایت بازیگر، مدیریت صحنه و …داشتم که واقعا جای تشکر و قدردانی دارد باعث شد با وجود پربازیگر بودن فیلم، به ارتباط درست و حرفه ای برسیم و به شدت در ساخت آن خوش گذشت و خاطره بسیار خوبی برای همه شد. تبریزی گفت: یک انرژی بین همه رد و بدل شد و عاشقان و در کار و فیلمنامه شکل گرفت و در عشقی که من به «گیج‌گاه» داشتم سهیم شدند.

●●●●●

سریال کمدی «باخانمان» در زندان به پایان رسید

بخش فرهنگی – تصویربرداری سریال «باخانمان» که تاکنون هفت قسمت آن روی آنتن رفته است، در لوکیشن زندان به پایان

رسید. تصویربرداری سریال کمدی «باخانمان» به کارگردانی برزو نیک‌نژاد که این روزها از شبکه سه سیما محبش می‌شود، به پایان رسید. آخرین سکانس باقی‌مانده این سریال به نویسندگی امیر برداران و تهیه‌کنندگی زینب تقوایی، در لوکیشن زندان جلو دوربین رفت. حسن پورشیرازی، شه‌ره لرنستانی، حسام محمودی، الهام اخوان، مارال فرجاد، امیرحسین طاهری، امیر کاظمی، فرزانه سهیلی، امیر آشنایی، مریم سلطانی، مهروز ناصر شریف، مهناز کرباسچی، نصرت دادرسی، حامد وکیلی، گیتی معینی، سارا عابدی، امیر علی خانی، سعید امیرسلیمانی، شهرام شکیبا، خسرو احمدی، امید روحانی، افسانه یایگان، آتیلا پسیانی، بهنام تشکر و شقایق دهقان، بازیگران این سریال هستند.

{فرهنگ و هنر }

همه نقش‌های امیر آقایی؛ بازیگری که دیر دیده شد

از جایزه برای گنده لات تهران تا جریمه به‌خاطر «پایان‌نامه»

امیر آقایی در فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»

با این حال، دَر بر یک پاشنه نچرخید و نوبت به چهره شدن امیر آقایی هم رسید؛ او با نقش آفرینی در فیلم‌های «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» ساخته وحید جلیلوند و «کوچه بی‌نام» کار هاتف علیمردانی، حضوری پُر رنگ و



موفق در سی و سومین دوره جشنواره فیلم فجر داشت. دو سال بعد هم با فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» به کارگردانی جلیلوند، به این رویداد سینمایی بازگشت که شاید بتوان آن را نقطه عطفی در کارنامه هنری‌اش به شمار آورد. آقایی برای این فیلم، کاندیدای دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد از سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر و نامزد بهترین بازیگر نقش اول مرد از بیستمین دوره جشن خانه سینما شد.

جایزه برای گنده‌لات تهران

پس از درخشش امیر آقایی در محافل هنری و در نگاه منتقدان، نوبت

مهسا بهادری

سه صاحب‌نظر عرصه رسانه و فرهنگ عامه، اعتقاد دارند به کارگیری لهجه‌های مختلف در سریال‌ها و فیلم‌ها اجتناب‌ناپذیر است و برای همین، مخاطبان باید ظرفیت خود را بالا ببرند و تولیدکنندگان آثار هم در کار خود، از فکر و تجربه کارشناسان بهره ببرند.

در بسیاری از سریال‌های تلویزیونی که داستانش در مناطق مختلف ایران رخ می‌دهد، فارسی صحبت کردن شخصیت‌ها با لهجه، همیشه باعث بحث و جدل و گاه اعتراض شده است. از آن‌جا که فارسی زبان رسمی کشور و پل ارتباطی مردم ساکن در نقاط مختلف این سرزمین پهناور است، گزیزی از به کار بردن آن در یک سریالی که قرار است پخش سراسری داشته باشد، نیست، ولی این‌که چه لهجه‌ای به خود بگیرد، مسئله‌ای مهم و گاه حساسیت‌برانگیز است.

یکی از اولین و مهم‌ترین سریال‌های تلویزیونی که شخصیت‌های آن، فارسی را با لهجه محلی سخن می‌گفتند و مورد استقبال هم قرار گرفت، «روزی روزگاری» با کارگردانی امرالله احمدجو و بازی خسرو شکیبایی بود که در سال‌های ۷۰ و ۷۱ روی آنتن شبکه یک رفت. در ادامه، بهره‌گیری از این روش گسترش یافت و بارها به کار رفت تا به نمونه تازه‌ای چون سریال «پایتخت» به کارگردانی سیروس مقدم رسید که اگرچه مورد استقبال بسیاری از مردم قرار گرفت، ولی صداهای منتقدی نیز از استان مازندران پیدا کرد. برای بررسی سود و زیان فارسی صحبت کردن با لهجه‌های مختلف در سریال‌های ایرانی، سراغ سه کارشناس رفته و نظر آن‌ها را جویا شده‌ایم. هوشنگ جاوید، پژوهشگر فرهنگ عامه و موسیقی نواحی، اکبر نصراللهی، استاد رسانه و جامعه‌شناس و علیرضا سبط‌احمدی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون، نظر خود را در این‌باره با مخاطبان درمیان گذاشته‌اند.

ظرفیت‌مان را بالا ببریم و کارکرد رسانه را بدانیم

هوشنگ جاوید، پژوهشگر فرهنگ عامه با اشاره به این‌که به کارگیری لهجه‌های مختلف فارسی در فیلم‌ها و سریال‌ها، گاه با سوءتفاهم رویه‌رو می‌شود، عدم شناخت کارکرد رسانه و آشنایی اندک با فرهنگ عامه مناطق مختلف کشور را یکی از دلایل آن می‌داند. او برای نمونه، به حساسیت مخاطبان نسبت به لهجه استفاده شده در «پایتخت» اشاره می‌کند و می‌گوید: «در همان قسمت‌های اول «پایتخت»، اعتراض‌ها نسبت به لهجه سریال مطرح شد که دقیق نبود. اگر از همان ابتدا به موسیقی کار نگاه کنیم، موسیقی علی‌آبادکتول را می‌شنویم که مربوط به شرق مازندران قدیم و موسیقی استان گلستان فعلی است و گویش‌ها هم به منطقه بندر گز مربوط می‌شود که باز هم جز استان گلستان به حساب می‌آید و به مازندران ارتباطی ندارد.» جاوید درباره عدم شناخت مردم نسبت به کارکرد رسانه هم توضیح می‌دهد: «زمانی که مردم نسبت به این موضوع اعتراض می‌کنند، باید بدانند که سریال «پایتخت» برای یک استان خاص ساخته نشده و برای همه مردم است. لهجه به‌کار رفته در این سریال با آن‌که حرف و نقد منفی بسیاری شنید، در نهایت، از فصل سوم به بعد مورد پذیرش همگانی قرار گرفت.»

اکبر نصراللهی، عضو هیات علمی و رییس دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه، از زاویه دیگر به موضوع می‌پردازد و با تأکید بر این‌که مردم باید ظرفیت تحمل خود را بالا ببرند، می‌گوید: «به نظر من، اعتراض‌هایی که به این شکل به سریال‌ها مطرح می‌شود، از این جنس نیست که توهینی به لهجه‌ها و قومیت‌ها شده باشد، بلکه بیشتر به این موضوع مربوط می‌شود که معترضان یا در زمین افراد سیاسی بازی می‌کنند و یا درک درستی از ذات یا ماهیت کار رسانه ندارند و یا تعصبات نا‌به‌جا دارند. من فکر می‌کنم اگر همه قصد دارند که سرگرم شوند و موضوعی را یاد بگیرند، باید آستانه تحمل‌شان را بالا ببرند، ما باید اجازه دهیم سریال‌ها و برنامه‌ها ساخته و نمایش داده

شوند و در ابتدای مسیر آن‌ها را قضاوت نکنیم، قطعاً هدف هیچ برنامه‌سازی توهین به مردم یک منطقه از کشور نیست.»

علیرضا سبط احمدی، تهیه‌کننده باسابقه سینما و تلویزیون نیز که اخیراً سریال «پلدا» را روی آنتن تلویزیون داشت، در این‌باره با دو کارشناس دیگر همفکر است و تأکید می‌کند: «ما باید ظرفیت‌مان را بالا ببریم و بپذیریم که



کسی قصد آسیب زدن به فرهنگ اقوام مختلف کشور را ندارد. علاوه بر این موارد باید شناخت‌مان نسبت به کارکرد رسانه را بالا ببریم و بدانیم که جایی مثل تلویزیون، هدفش ایجاد تفرقه نیست.»

با تعصبات بی‌جا، دیگر رسانه‌ها رشد می‌کنند

درست در همان زمانی که برخی از فرهنگ و لهجه به نمایش درآمده در سریال‌های تلویزیونی انتقاد می‌کنند، فضای مجازی، آکنده از توهین و تخریب نسبت به فرهنگ مناطق مختلف کشور شده است. اگر رسانه‌های رسمی چون تلویزیون دولتی نتوانند در فضایی به دور از پایتخت کشور دست به تولید سریال بزنند، این عرصه کاملاً به دست رسانه‌های غیر رسمی خواهد افتاد که عاقبتی شوم دارد.

خواندن این مطلب پیشنهاد می‌شود: وقتی لهجه سریال‌ها درست از آب در نمی‌آید

نصراللهی در همین‌باره می‌گوید: «یک جاهایی تعصبات بی‌جا و غیر منطقی که از خود نشان می‌دهیم، باعث می‌شود عرصه را برای رقبیان خود باز کنیم تا بتوانند در شبکه‌های دیگر، فیلم و سریالی را با هر محتوایی نشان دهند و مخاطب را هم به خود جذب کنند و این موضوع به مراتب خطرش برای جامعه و فرهنگ ما بسیار بیشتر است.»

سبط احمدی نیز در این راستا نظر می‌دهد: «ما در دنیایی هستیم که رسانه‌های زیادی از قبیل اینترنت، ماهواره و بسیاری از موارد دیگر در اطراف ما وجود دارند، نباید با برخی تنگ نظری‌ها، عرصه را برای آنها باز بگذاریم و برای همین معتقدم بهتر است کمی عمق دید و نگاه‌مان را گسترش دهیم.»

همه باید از دیدن سریال لذت ببرند

اما جدای از بالا بردن ظرفیت و آشنایی با کارکرد رسانه‌ها که از جانب مردم انجام می‌شود، تولیدکنندگان نیز وظایفی را برعهده دارند، آن هم این است که اگر قصد دارند از لهجه‌ای استفاده کنند، در به کار بردن آن نهایت دقت را انجام دهند. جاوید که به لهجه‌های محلی کشور تسلط دارد، در این‌باره می‌گوید: «ساره‌ای ملی چون تلویزیون، در کشوری که زبان فارسی به عنوان زبان پایه است، هیچگاه نمی‌تواند هنگام ساخت یک سریال برای همه مردم، صرفاً از گویش یا زبان محلی استفاده کند، بلکه باید یک چیزی را انتخاب کند که لهجه بیناییی و همه فهم داشته باشد و مردم بدانند که این لهجه مربوط به کدام منطقه خاص است.»

شنبه ۲۰ دی ۱۳۹۹

آن رسید که او برای مخاطب عام سینما و تلویزیون هم چهره شود. سال

گذشته، حتی پیش از آغاز سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر، تقریباً همه علاقه‌مندان به سینما می‌دانستند که یک سیمرغ بازیگری را باید برای او کنار بگذارند؛ چرا که پخش صحنه‌ای کوتاه از فیلم «شنای پروانه» به کارگردانی محمد کارت که آقایی را در نقش یک گنده‌لات تهران نشان می‌داد، همه نگاه‌ها را خیره کرد. نقش «هاشم»، تنها یک فرصت بود تا توانایی‌های یک بازیگر را پس از ۱۸ سال کار مستمر، در تیپ‌سازی موفق، نشان دهد. اگرچه او برای این نقش، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را نده‌ست آورد، ولی پیش از این، توانایی‌اش را در جلد شخصیت‌های دیگر سینمایی، به خوبی نمایش داده بود.

در نقش هاشم «شنای پروانه»

پس از حضور موفق در «شنای پروانه»، نوبت آن بود که آقایی، نقش یک شخصیت چندلایه را بازی کند که با سریال «آزاده»، این فرصت را یافت. در این مجموعه شبکه نمایش خانگی به کارگردانی بهرنگ توفیقی، او ایفاگر نقش «نیما» که یک آفازده فاسد است، شد که جذاب‌ترین و دراماتیک‌ترین شخصیت این سریال است. این شخصیت، از آغاز تا پایان داستان، چند چهره متفاوت از خود را نشان می‌دهد که آقایی با وجود نامناسب بودن سن‌اش برای بازی در این نقش، به خوبی در جلد او فرو می‌رود. با این سریال، اینک چهره امیر آقایی، برای مخاطبان نه‌چندان پیگیر آثار سینمایی هم شناخته شده و جذاب است.

در انتظار همکاری امیر آقایی با مسعود کیمیایی

در ادامه موفقیت سه چهار سال گذشته امیر آقایی در سینما و شبکه نمایش خانگی، باید بیش و پیش از گذشته، پیگیر هنرنمایی‌های این بازیگر بود. او اکنون، دو فیلم مهم را به کارنامه خود افزوده است که

هنوز به نمایش درنیامده‌اند. «خائن‌کشی» به کارگردانی مسعود کیمیایی و «شب، داخلی، دیوار» ساخته وحید جلیلوند، می‌توانند باعث درخشش بیشتر این بازیگر شوند. از آن‌جا که کیمیایی استاد بازی گرفتن است، بسیاری مشتاق هستند تا ببینند این کارگردان پیشکسوت، چه نقش و شخصیتی را برای امیر آقایی در «خائن‌کشی» که داستانی جذاب هم دارد، تراشیده است. «شب، داخلی، دیوار» هم که با بازی نوید محمدزاده ساخته می‌شود، سومین همکاری امیر آقایی با وحید جلیلوند است که می‌تواند اوج بازیگری این هنرمند ۴۵ ساله شود. باید منتظر ماند و دید.

بررسی به‌کارگیری لهجه‌های مختلف در سریال‌های تلویزیونی در گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب‌نظران

نقی معمولی و مرادیگ خوب صحبت می‌کنند، ما باید ظرفیت‌مان را بالا ببریم

او ادامه می‌دهد: «برای نمونه، سریال «نون، خ» که با فارسی نزدیک به زبان کردی ساخته و موفق هم ظاهر شده است، لهجه بیناییی منطقه ایلام، کرمانشاه، مهاباد و کردهای ارومیه را انتخاب کرده است. رسانه سراسری، موظف است میانه را در نظر بگیرد نه یک لهجه خاص و مختص به یک منطقه را که باعث ناراحتی شود.» این پژوهشگر تأکید می‌کند: «برای پرهیز از سوءتفاهم، هرگاه رسانه بخواهد از یک لهجه و یا گویش محلی استفاده کند، نیاز به کارشناس این عرصه دارد که متسافانه بسیاری از تهیه‌کنندگان، برای این موضوعات هزینه نمی‌کنند. این چیزی است که حتما باید جدی گرفت.» سبط احمدی به تجربه تهیه‌کنندگی‌اش در سریال «پلدا» اشاره می‌کند و می‌گوید: «بارها گفته‌ام که ما سریال‌ها را برای شبکه سراسری می‌سازیم، باید زبان، فارسی باشد تا همه بتوانند از آن لذت ببرند. به طور مثال لحن و تکه کلام‌هایی که در سریال «پلدا» استفاده کردیم، به نوعی در تمام مناطق غرب کشور متداول و مشترک بود. اگر من می‌خواستم در سریالم از گویش و زبان لری، کردی یا هرچیز دیگری استفاده کنم، باید از زیرنویس استفاده می‌کردم اما معتقدم کسی که از سیستان و بلوچستان، مازندران، کرمان و جاهای دیگر کشور سریال را می‌بیند، حق دارد که از آن لذت ببرد. ما یک زبان مشترک در رسانه داریم و آن زبان فارسی است و اگر سریالی با فرهنگ یکی از شهرهای کشور ساخته شود، حتما، تکه کلام‌هایی را در آن استفاده می‌کنیم تا فرهنگ آن شهر را نشان دهیم، اما کماکان معتقدم که زیر نویس‌دار شدن سریال مخصوصاً در شبکه سراسری بی‌عدالتی است، چون همه مردم حق دارند

که سریال را درک کنند.»

نشان دادن فرهنگ مناطق مختلف

گاهی گفته می‌شود که در سریال‌سازی، در کنار سرگرمی باید یک هدفی وجود داشته باشد، مثل ایجاد اتحاد بین مردم و یا نشان دادن فرهنگ مناطق مختلف کشور و برای انجام این کار باید یک سریال قوی ساخته شود تا مخاطب را به خود جذب کند و برای آشنایی با فرهنگ دیگر شهرها، حتما لازم نیست که از لهجه استفاده شود.

جاوید معتقد است برای ایجاد اتحاد بهتر است فرهنگ یک منطقه را نشان دهیم تا این‌که با لهجه آن‌ها صحبت کنیم، او در توضیحات بیشتر خود می‌گوید: «من فکر می‌کنم اگر هدف رسانه از ساخت چنین سریال‌هایی که در آن از لهجه استفاده می‌شود این باشد که بخواهد مردم را به هم نزدیک کند، باید تولیدات خاص مراکز را در شبکه‌های سراسری پخش کند. اینگونه مردم نیز با روحیات یکدیگر آشنا می‌شوند و بهتر است برای ایجاد این اتحاد به نشان دادن فرهنگ و سبک زندگی مناطق مختلف پرداخته شود تا اینکه با لهجه این موضوع را نشان بدهند. به طور مثال سریال «پس از باران» در نشان دادن این فرهنگ و ایجاد اتحاد موفق عمل کرده بود. خوشبختانه وضعیت اینگونه سریال سازی رویه بهبود است و توجه به این سبک نیز بیشتر شده است.» نصراللهی با اشاره به سریال «پس از باران»، نشان دادی فرهنگ را مهم‌تر از زبان و گویش محلی می‌داند و می‌گوید: «موضوعی که مطرح می‌شود این است در هر صورت برنامه‌ها و سریال‌ها، هدف‌شان صرفاً سرگرمی نباشد و در دل آن‌ها آموزش، اطلاع‌رسانی و شناخت مناطق مختلف کشور وجود داشته باشد. چیزی که وجود دارد این است که در این ایام زمانی که یک سریال با یک لهجه ساخته می‌شود هدف مثبتی دارد و آن هم این است که می‌خواهد مردم را با فرهنگ مناطق مختلف کشور آشنا کند اما استفاده از لهجه الزام آشنایی با فرهنگ‌های دیگر نیست، سریالی مثل «پس از باران» که مواکن توسط عده‌ای مورد انتقاد قرار گرفت، این کار را در درست‌ترین حالت ممکن خود انجام داد.»

سبط‌احمدی هم در این راستا تأکید می‌کند: «سریال‌هایی مثل «روزی روزگاری»، «وارش» و «پس از باران» نیز، رویکردشان این بود که سبک زندگی مردم و فرهنگشان را نشان دهند حالا در این بین یک جاهایی از لهجه هم استفاده کرده بودند، نمی‌توانیم این موضوع را خیلی ایراد به حساب بیاوریم و خیلی به نکته خوبی است.»